



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا
فَالْمَجْلِسَ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ
إِذَا قِيلَ أُشْرُوا فَأَنْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ
آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

نگاهی به انسان در نهج البلاغه و هفتوی

دکتر فریبا شریفیان

افسانه شریفیان

سرشناسه	: شریقیان، فریبا، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	: نگاهی به انسان کامل در نهج البلاغه و مثنوی/فریبا شریقیان و افسانه شریقیان.
مشخصات نشر	: تهران: گنجینه هنر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۵۶-۳۵-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: علین ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - نقد و تفسیر
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۳ - ۶۷۲ ق. مثنوی - نقد و تفسیر
موضوع	: علین ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - انسان
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۳ - ۶۷۲ ق. مثنوی - انسان
موضوع	: انسان (عرفان)
موضوع	: انسان در ادبیات
موضوع	: انسان (اسلام)
سبب افزودن	: شریقیان، افسانه، ۱۳۳۶-
رده بندی ده	: ۸۳۸BP - ۱۳۹۲ م / ش
رده بندی نویسی	: ۵/۲۳۴
شماره کتاب	: ۲۰۱۸

انتشارات
گنجینه هنر



نگاهی به انسان کامل در نهج البلاغه و مثنوی

مؤلف: دکتر فریبا شریقیان و افسانه شریقیان

ویراستار علمی: دکتر داریوش ذوالفقاری

نمونه خوان: لیلا عسگری

ناشر: انتشارات گنجینه هنر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

حروفچینی و صفحه آرایی: نوربخش

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نقش آور / فارابی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۵۶-۳۵-۷

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان ستارخان، خیابان تهران ویلا، خیابان شهید زارع، پلاک ۵۸، طبقه ۶

تلفن: ۶۶۵۱۱۸۲۳

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۵
مقدمه	۷
فصل نخست: معرفی اجمالی نهج البلاغه و مثنوی	۱۱
۱- نهج البلاغه	۱۱
۱-۱- مؤلف نهج البلاغه	۱۲
۱-۲- وجه تسمیه‌ی نهج البلاغه	۱۳
۲- مثنوی مولوی	۱۳
فصل دوم: پیشینه و مبانی بحث	۱۵
پیشینه	۱۵
انسان کامل از دیدگاه ابن عربی	۱۶
مبانی بحث	۲۰
بحث لغوی واژه‌ی انسان	۲۰
خلقت انسان از دیدگاه قرآن	۲۱
خلقت انسان از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه	۲۳
خلقت انسان از دیدگاه احادیث	۲۴
خلقت انسان از دیدگاه مولوی در مثنوی	۲۵

۲۶	تعریف کمال
۲۶	تعریف انسان کامل
۲۸	راه رسیدن به کمال
۳۰	ابزار کمال در عرفان
۳۲	مراتب کمال
۳۵	عوامل کسب کمال
۴۰	رابطه‌ی الگو داشتن به کمال رسیدن
۴۱	دیدگاه نهج البلاغه در مورد پیروی از الگو
۴۱	کسب فضائل
۴۲	فضائل مطرح شده در نهج البلاغه
۵۳	فصل سوم: وجوه مشترک انسان کامل در نهج البلاغه و مثنوی معنوی
۵۳	انسان کامل از نظر نهج البلاغه و ضرورت وجود چنین فردی برای دوام عالم
۷۶	انسان کامل در مثنوی
۸۸	ویژگی‌های انسان کامل در مثنوی
۱۱۱	برخی از مشترکات نهج البلاغه و مثنوی در مورد انسان کامل
۱۱۹	فهرست منابع

مقدمه

بر هر انسانی معلوم است که از موجودات و مخلوقات عالم هستی به قدر توان خود شناخت و آگاهی داشته باشد و آن در این میان، شناختش ضروری تر و مهم تر است، شناخت انسان است که در بین مخلوقات موجودی معنادارتر و مکرم تر و پیچیده تر است و مهم تر از آن، شناخت انسان کامل ضرورت پیروی از دستورات وی در جهت رسیدن به کمال و مرتبه ی قرب الهی و رضایت حق است.

در این کتاب سعی شده است با استفاده از بیانات امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه و مولوی در مثنوی، انسان کامل مورد بررسی قرار گیرد.

توجه به انسان و کمال وی مسأله ای است که از قدیم اسلام مورد توجه مذاهب، مکاتب و فرهنگ های گوناگون بوده است و از ادیان و مکاتب با تشریفاتی فلسفه ی یونان و روم، از تفکرات اندیشمندان قرون وسطای مسیحی گرفته تا اندیشمندان اسلام، از رنسانس گرفته تا عصر حاضر، همواره شناسایی انسان و توجه به ابعاد وجودی وی مورد نظر بوده است.

داستان خلقت آدم علیه السلام و قصه های مربوط به او چنان که از قرآن کریم، تفاسیر، قصص انبیا و تاریخ برمی آید، داستانی است که با آفرینش آدم علیه السلام آغاز

و با پایان یافتن عمر مقدر این جهان و مرگ آخرین فرزندان او خاتمه می یابد. این داستان ابوالبشر نیست بلکه داستان و شرح حال همه فرزندان اوست.

در شرح حال و سرنوشت آدم علیه السلام، بذریعده ی اندیشه های فلسفی، انشادی و رمز و راز شادی و غم، عشق و حرمان، وصل و هجران، طاعت و عصیان و سیر آدم به سوی تعالی و تکامل، تا به آنجا که به جز خدا نبیند و یا فروغلطیدنش در ژرفای هولناک که پست ترین موجودات را از آن ننگ می آید، نهفته است؛ بدین لحاظ هر یک از متفکران، فیلسوفان، عارفان، اصحاب ادیان و مذاهب و شاعران و نویسندگان، به فراخور حال و بنابر سلیقه و برداشت خویش جنبه های مختلف داستان آدم علیه السلام را مورد توجه و بررسی قرار داده اند.

به انسان از دو دیدگاه می توان نگریست: یکی از این دیدگاه که «انسان چیست؟» یعنی چه صفات و انگیزه هایی در وجودش نهفته است. یا دارای چه کشش ها و غرایز و فطریاتی است؟ به بیان دیگر انسان عینی و خارجی که در حال حرکت و تکاپوست دارای چه نوع طبیعت و سرشتی است؟ آیا در این طبیعت وجودی مثبت است یا منفی؟ آیا خوش طینت است یا بد طینت؟ آیا موجودی است که در ذات فاسد است یا آنکه فرشته خوست؟ یا در اصل هیچ کدام از این دو نیست بلکه هم گرایش به نیکی ها و خوبی ها دارد و هم گرایش به بدی ها و زشتی ها.

از دیدگاه دوم این مسأله مطرح است که «انسان چه باید بشود؟» یعنی «انسان ایده آل» و «انسان کامل» کیست؟ به بیان دیگر انسان چه هدفی را باید در پیست خود در نظر بگیرد تا با حرکت به سوی آن به کمال وجودی خویش نایل شود؟ به هریک از فرهنگ ها، نظام های فکری و فلسفی، آئین ها و مذاهب و مکتب ها و ادیان که بنگریم ردپایی از انسان کامل را می بینیم هم بودا و کنفوسیوس سخنان از انسان کامل به میان

آورده اند و هم عیسی علیه السلام و هم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و هم زرتشت از انسان متعالی به نیکی یاد می کنند و هم افلاطون و ارسطو هم نیچه و مارکس به شایستگی انسان برتر و کامل پرداخته اند و هم متصوفه و عرفا.

هر یک از اینان از دیدگاهی خاص یعنی جهان بینی حاکم بر اندیشه خود، انسانی را نمونه و برتر معرفی کرده اند. یکی کوشیده انسان کامل را از بعد جسمانی و امور مادی و اقتصادی مطرح کرد و دیگری از بعد معنا و امور روحانی. یکی از انسان متخلق به فضایل اخلاقی نام برد و دیگری از انسان عالم و حکیم. یکی بر قلب و دل تکیه کرده است و دیگری بر عقل. اندیشه یکی کوشیده تا اصالت را به فردیت انسان بدهد و انسان کامل را، انسانی بدانند که فردیت وی به شکوفایی رسیده است و دیگری اصالت را از آن بعد اجتماعی دانسته است و انسان ایده آل خود را انسانی دانسته که توجه به غیر دارد نه خود.

در سیر تاریخ همواره افراد بزرگ و انسان های کامل مورد احترام بوده اند، گویی گرایش به بزرگی و عظمت در ذات آدمی نهفته است، چنانکه حتی کسانی هم که در پستی ها و رذالت ها به سر می برند، در لحظاتی که بدختر می آیند از انسان های کامل، باشکوه و جلال خاصی یاد می کنند.

به انسان کامل، القاب متفاوتی داده اند؛ بودا او را «رهات» می نامد و «نوسیوس» «کیون تسو». آیین های یوگا و بهاگتی نیز از او به عنوان «انسان ازاده» نام می برند. افلاطون او را «فیلسوف» می خواند و ارسطو «انسان بزرگوار». صوفیه «قطب» و شیعه و «پیر» طریقش می نامند. و نیچه «ابر انسان» و از همه بالاتر آن که قرآن وی را «خلیفه الله» می خواند. نویسندگان در این کتاب به بررسی «انسان کامل» از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و مولوی در مثنوی پرداخته اند.

شناخت انسان و ابعاد وجودی او یکی از مسائل مهم در هر مکتب و مذهبی است، چرا که همه ادعا می کنند که می خواهند انسان را به سعادت و کمال برسانند. دین اسلام نیز دیدگاه خاصی نسبت به انسان و کمال او دارد که از بررسی آیات قرآن و روایات معصومین می توان به این دیدگاه پی برد.

در این میان نهج البلاغه که بخشی از سخنان امام علی علیه السلام را دربردارد، به عنوان کتابی که بعد از قرآن کریم، چراغ راه هدایت انسان در مسائل مختلف، خصوصاً مسائل اعتقادی و باطنی، و مثنوی معنوی مولوی که در بسیاری از ابیات، برگرفته از آیات قرآن است، منبع شایسته ای برای این موضوع هستند.

شناخت انسان کامل در نهج البلاغه و مثنوی از جهاتی دارای اهمیت است؛ از طرفی با دیدگاه حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه در مورد انسان کامل، ویژگی ها، وظایف او و لزوم پیروی از چنین انسانی آشنا می شویم و از طرفی با بررسی انسان کامل در مثنوی با خصوصیات چنین انسانی از دیدگاه مولوی آشنا می شویم و مشترکات بسیاری را در مورد انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه و مثنوی در می یابیم.